

صفار هرندی پس از اکران فیلم *سوء تفاهم*؛

سینمایی ما به امثال معتمدی احتیاج دارد



فیلم «سوء تفاهم» در القای این مسئله مهم که در عرصه اجتماعی واقعیت و مجاز بسیاری به هم نزدیک شده‌اند، بسیار موفق بود.

محمد حسین صفار هرندی وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از اکران فیلم سینمایی سوء تفاهم در سینما فرهنگ با اشاره به موضوع این فیلم گفت: به نظر فیلم سوء تفاهم در القای این مسئله مهم که در عرصه اجتماعی واقعیت و مجاز بسیار به هم نزدیک شده‌اند، بسیار موفق بود.

وی ادامه داد: امروز آن چیزی که فکر می‌کنیم و می‌بینیم که واقعی است، ممکن است مجاز باشد و آن چیزی که تصور می‌کنیم مجازی است ممکن است واقعیت داشته باشد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به سبک فیلمسازی معتمدی اظهار کرد: یک قالب ارزش‌گرایانه‌ای از دیرباز در ذهن معتمدی بوده است که بر اساس آن، مشکلات و وقایع تلخ زمانه ما را در جریان سرمایه داری می‌بیند، زیرا بر خلاف ظاهر خوش رنگ و لعاب جریان سرمایه داری، بسیاری مفاسد و مشکلات عصر امروز ما به این جریان مربوط می‌شود. من در ارزیابی عملکرد معتمدی او را در حال طی مسیر رشد و بالندگی می‌بینم.

صفار هرندی افزود: به نظر من افرادی که با نگاه کاشف‌از چیستی وقایع مسائل را دنبال می‌کنند، می‌توانند با این فیلم سینمایی ارتباط خوبی برقرار کنند. خیلی از فیلم‌ها نفوذی به عمق مسائل نمی‌کنند ولی کارهای معتمدی نگاه متفاوتی به مسائل دارد و به نظر من سینمای ما احتیاج به چنین افرادی دارد.

یادداشت پرویز پرستویی به کتاب «وقتی مهتاب گم شد»

پرویز پرستویی در پاره کتاب **«وقتی مهتاب گم شد»** نوشت: می‌توانم از **ته دل و برسی** همیشه افتخار کنم که در سرزیمینی زندگی می‌کنم که **این چنین قهرمانانی نه در افسانه‌ها که در واقعیت دارد.**

پرویز پرستویی

در یادداشت پرویز پرستویی بازیگر سینمای ایران در پاره کتاب **«وقتی مهتاب گم شد»** آمده است:امروز وقتی صفحه آخر کتاب **«وقتی مهتاب گم شد»** را بر هم نهاده سه نکته مرا به خود مشغول کرد: چرایی از بی‌نهایت تأثیرگذاری کتاب بر روحم،عزاز ته قلب برای ششای روح برادران شهید خوش لفظ و نیز در خواست صبر عظیم خاندانی برای مادر گرامی این شهیدان.

به خود می‌گویم که در معنا، هر ترکش نشسته بر وجود علی خوش‌زخم‌ها، ارزش دریافت هزاران پاره طلائی المپیک برای عطش سیری ناپذیر هر قهرمان را داشته... ولی نه، باز حرفم را خاضعانه پس می‌گیرم چون قیاس غلط، ناپجا و حقیری برای همچو مردانی است... فقط می‌توانم از ته دل و برای همیشه خدایانم که در سرزیمینی زندگی می‌کنم که این چنین قهرمانانی نه در افسانه‌ها که در واقعیت دارد و بی‌شک با خواندن این کتاب هر ایرانی منصفی نیز، به دانشتن چنین مردان فراسطورهای و بی‌ادعا در جهان افتخار خواهد کرد.

دقیق تر بگویم، تک تک سطور کتاب **«وقتی مهتاب گم شد»** برای من نقش استادی را دارد که با اشارتش از او یاد می‌گیرم چگونه آرزومندانه بتوانم راه بی‌الایش این مردان عاشق خدا را ادامه دهم، همچنان که همچون خود، برای دولتمردان کشور نیز دادع را تافلغ از هر تعلق، این کتساب را خوانده تا تأثیری عملی، برای خدمت بیشتر به مردمان کشور بگیرند.

در آخر فاش از ترس و اعترافم نیز بگویم، ترس دارم که خدای ناکرده و به واسطه قیل و قال‌ها و به عنوان ندگان ناچیز همین

خداوند، دچار این غفلت و گمراهی بزرگ شومیم که راه شهید

خوش لفظ‌ها و عملشان را به عنوان یگانه چراغ نجات این کشور فراموش کرده‌وا دست‌میرشان خارج شوم.

و این اعتراف را دارم که در تمام مدت مطالعه کتاب و آشنایی

با روحیه این مرد بزرگ یعنی علی آقای خوش زخم، رفتار و خاطرات برادر شهیدم،پهروز،مرا در تمامی فراز و نشیب ماجراها، همچون قهرمان خاطرات کتاب همراهی می‌کرد. دعا می‌کنم

بارخدا،روح همگی شان شاد و یادشان گرامی.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌مدیر: غلامرضا صدیقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطاط میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸،نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۳۰۵ | سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۶ | ۱۹ جمادی‌اول ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۲۷ | اذان مغرب: ۱۷:۵۶ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۴۶ | اذان صبح فردا: ۵:۲۳ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۰

فیلم جدید کیایی با دغدغه‌هایی از جنس اقتصاد ملی

در «چهارراه استانبول» اقتصاد هم مثل پلاسکو فرو ریخت



■ **محمدصادق عابدینی**

جدیدترین فیلم مصطفی کیایی، باز هم به دغدغه‌های اقتصادی اشاره دارد؛ فیلمسازی که نبض سینمای تجاری را می‌شناسد و «چهارراه استانبول» را با پس‌زمینه آتش‌سوزی و ریزش ساختمان پلاسکو به تصویر کشیده است. در سالگرد آتش‌سوزی مهیب و ریزش ساختمان پلاسکو، فیلمی با نام «چهارراه استانبول» در جشنواره فیلم فجر اکران شد؛ فیلمی که نگاه ویژه‌ای به حادثه پلاسکو دارد، اما فیلمساز تلاش کرده است با دستاویز قرار دادن پلاسکو و سرنوشت غم‌انگیز آن روانی از یک سقوط اقتصادی را بیان کند.

■ **پلاسکو هدف اصلی نبود**

نام اولیه فیلم «پلاسکو» بود و بعدها تهیه‌کننده و کارگردان ترجیح دادند نام اثر را به «چهار راه استانبول» تغییر دهند. مصطفی کیایی در نشست رسانه‌ای این فیلم تصریح کرد که هدف اصلی از ساخت فیلم پلاسکو نبوده است. این فیلمساز می‌گوید: مثل هر فیلمی که به یک واقعه گره خورده و درام روایتگر یک ماجرای واقعی است، طبیعی است که ما هم به اندازه نیازمان به حادثه پلاسکو به عنوان ماجرای واقعی ورود کنیم. تماشاگران فیلم هر طریقی است که این طور فکر کنند.»

در سینمایی که اغلب به حوادث اجتماعی بی‌توجه است، ساخت یک فیلم و رونمایی از آن در یک سالگی حادثه، نشانه‌ای از سرعت عمل و دغدغه فیلمساز نسبت به جامعه‌ای است که در اتمسفر آن زندگی می‌کند؛ چیزی که در آثار قبلی کیایی نیز به چشم می‌آید.

کیایی می‌گوید: من هم مثل همه ایرانیان در رابطه با پلاسکو جوگیر شدم و گفتم باید فیلمی بسازم. در مورد ۱۱ سپتامبر هم خیلی فیلم ساختند. من تصمیم گرفتم فیلمی بسازم که به پلاسکو ربط داشته باشد. پلاسکو هم سیاسی بود هم تجاری. بحث من اقتصاد بود. پلاسکو نه صرفاً به عنوان یک ساختمان که فرو ریخت بلکه این اقتصاد ما بود که فرو ریخت.

■ **کارگردانی با دغدغه‌ای از جنس رانت و مشکلات اقتصادی**

در یکی از سکانس‌های تأثیر گذار و البته تا

■ **حکمت**

حکمت ۲۵۸

هر زمان فقیر شدید، با خداوند از طریق صدقه دادن (راه او) تجارت‌پرسود) کنید.

تحمیلی که در فیلم‌های ژانر دفاع مقدس شاهد آن هستیم، «چهار راه استانبول» یکی از معدود آثار سینمایی است که به بحث قهرمانان شهید خدمت اشاره دارد که حین انجام وظیفه و خدمت به همنوع جان خود را از دست داده‌اند.

■ **وقتی همه می‌خواهند فرار کنند**

رونمایی از فیلم «چهارراه استانبول» یادآور این موضوع بود که با گذشت بیش از یک سال از حادثه هنوز بسیاری از کسبه این ساختمان بزرگ تجاری با مشکلات زیادی روبرو هستند و وعده‌های دولت برای جز فرار ندارند. آنها محقق نشده است.

در «چهارراه استانبول» نیز شاهد این هستیم که تولیدکننده ورشکسته ریزش ساختمان پلاسکو را پهنه‌ای برای فرار از کشور می‌کند. این تنها بخشی از فرارهایی است که در این فیلم با آن روبرو هستیم. دختر جوانی که از دست پدرش فراری شده، مدیرانی که نمی‌خواهند مسئولیت مدیریت نکردن بحران را بر گردن بگیرند و البته قماربازهایی که همه چیزشان را در قمار باختند و راهی جز فرار ندارند.

■ **تکرار یک زوج هنری**

تماشاگر از همان شروع فیلم «چهار راه استانبول» و مشاهده زوج هنری بهرام رادان و محسن کیایی، ممکن است به یاد فیلم «بارکد» بیفتد یا حتی با اضافه شدن «سحر دولتشاهی» و تشکیل یک سه ضلعی ضمن اینکه تصویر فیلم بارکد را در ذهن بیننده تقویت کند، وی را به یاد فیلم «عصر یخبندان» نیز بیندازد.

مصطفی کیایی ترجیح داده است دست به ترکیب بازیگران اصلی این ژانر نزنه؛ کاری که در تیم فوتبال روش متداولی است و سرمربی‌هایی که روی دوبرورد هستند کمتر به ترکیب تیم اصلی شان دست می‌زنند ولی در سینما اغلب این روش با نقدهایی روبرو می‌شود. یکی از سؤال‌هایی که از کارگردان «چهارراه استانبول» پرسیده شد نیز همین موضوع بود، کیایی هم پاسخ داد: من بازیگران را براساس معیارهای خودم انتخاب می‌کنم و به گیشه کاری ندارم. من افتخار می‌کنم با کسانی کار می‌کنم که آرامش و اخلاق دارند. ترجیح می‌دهم با سوپراستاری کار کنم که جایگاه خودشان را می‌شناسند و به این نکات توجه دارم. اگر این زوج جواب بدهند در کارهای دیگر هم از آنها استفاده می‌کنم و همین طور از سحر دولتشاهی و همه بازیگران دیگر.»

اما در نگاهی به کیفیت بازی این‌زن و رادان – کیایی سا مثلث رادان – کیایی – دولتشاهی باید گفت که تجربه استفاده از این بازیگران در تجربه قبلی فیلمساز، یعنی فیلم «بارکد» بهتر جواب داد و رادان و کیایی در آن فیلم که فضای فانتزی داشت بهتر در نقش فرو رفته بودند تا در «چهارراه استانبول» و از این جهت می‌شود گفت که بازی بازیگران این فیلم عقب‌تر از تجربه قبلی و در بعضی از سکانس‌ها به شدت ضعیف بود.



نگاهی به آخرین ساخته محمدحسین مهدویان

بازگشت غیرت و قهرمان به سینمای ایران با لاتاری

■ **جواد محرمی**



شاهکار مهدویان در فیلم لاتاری زمانی رقم می‌خورد که هوشمندانه موضوع غیر تمسدی سرد ایرانی را به غرور ملی پیوند می‌زند.

نزدیک به دو دهه بود که سینمای ایران مسئله مهمی اجتماعی شده بود که در آنها کارآترهایی که برای ناموسشان غیرتی می‌شدند هجو می‌شد. پدران با تعصب

غیر عقلی و منطقی و کله خر و مثلاً غیرتی با دخترانشان بدرقتاری می‌کردند و شوهران و برادرانی که با خشونتی افراطی به محارمشان زور می‌گفتند.

این رویه تا حدی پیش رفت که دو سال پیش در یکی از فیلم‌های مطرح جشنواره فجر کاراکتری خلق شد که در آن برادری از خانواده‌ای محروم برای رفع نیاز مالی خود خواهرش را به خواستگاری افغانی در ازای دریافت مبلغی پول شهر می‌داد. همه این اتفاقات در حالی رقم می‌خورد که واقعیت در بطن جامعه چیز دیگری بود. غیرت در جامعه ایرانی وجود داشت اما نه به شکلی افراطی بلکه در حالتی تقریباً متعادل اما دعای دوست نداشتند این تعادل را در آثار سینمایی بازتاب دهند و همواره تمایل داشتند نمایشی کاریکاتورگونه از غیرت ارائه کنند.

فیلم لاتاری یک تنه روی این موج بی‌غیرتی یا غیرت ستیزی سینمای ایران می‌ایستد اما شاهکار فیلم لاتاری آنجرا کم می‌خورد که این غیرتی شدن را به غرور ملی پیوند می‌زند.

اینکه برای اشاره به موضوع غیرت مرد ایرانی همواره باید به فیلمی از سینمای پیش از انقلاب ارجاع می‌دادیم، موضوع خوشایندی نبود. اینکه با وجود همه غیرت مندی‌ها و ابتیازگری‌های مردان ایرانی پس از انقلاب همواره سینمای ایران در آثارش غیرت مرد ایرانی را مورد تمسخر قرار داده یا بر عکس او را در بی‌غیرتی کامل نشان داده مسئله‌ای درناک بوده است.

لاتاری اما فارغ از مفهوم بارزشی که ارائه می‌کند در ساختار و تکنیک سینمایی هم پیشرو و موفق نشان می‌دهد. تا اینجا ی جشنواره فجر تقریباً اغلب آثار با ضعف فیلمنامه مواجه بوده‌اند، عنصری که همواره پاشنه آشیل سینمای ایران بوده و است اما لاتاری از این لحاظ کاملاً غنی است. فیلمساز سنیایی بیست و هشتمین دوره نمایشگاه کتاب اظهار خودش قرار داد. مهدویان ثابت کرده که قصه گوی خوبی است. داستان را خوب می‌شناسد و این برای سینمای ایران چیز کمی نیست. آنچه درباره فیلمنامه‌های ایرانی همواره آزاردهنده است ضعف ریتم فیلم هاست ولی ریتم روایتگری درناک بوده است.

لاتاری اما فارغ از مفهوم بارزشی که ارائه می‌کند در ساختار و تکنیک سینمایی هم پیشرو و موفق نشان می‌دهد. تا اینجا ی جشنواره فجر تقریباً اغلب آثار با ضعف فیلمنامه مواجه بوده‌اند، عنصری که همواره پاشنه آشیل سینمای ایران بوده و است اما لاتاری از این لحاظ کاملاً غنی است. فیلمساز سنیایی بیست و هشتمین دوره نمایشگاه کتاب اظهار خودش قرار داد. مهدویان ثابت کرده که قصه گوی خوبی است. داستان را خوب می‌شناسد و این برای سینمای ایران چیز کمی نیست. آنچه درباره فیلمنامه‌های ایرانی همواره آزاردهنده است ضعف ریتم فیلم هاست ولی ریتم روایتگری درناک بوده است.

فیلمساز سنیایی بیست و هشتمین دوره نمایشگاه کتاب اظهار خودش قرار داد. مهدویان ثابت کرده که قصه گوی خوبی است. داستان را خوب می‌شناسد و این برای سینمای ایران چیز کمی نیست. آنچه درباره فیلمنامه‌های ایرانی همواره آزاردهنده است ضعف ریتم فیلم هاست ولی ریتم روایتگری درناک بوده است.

معاون کمیته اطلاع‌رسانی نمایشگاه کتاب در گفت‌وگو با «جوان» عنوان کرد

خانه کتاب، اطلاعات نشر را احتکار می‌کند



با اشاره به طرح‌های بر گزار شده توسط خانه کتاب بیان داشت: معتقدم طرح پاییزه کتاب و امثال آن تنها بدین گونه است که بودجه‌های وزارت ارشاد می‌گیرند و در اختیار برخی ناشران خاص قرار می‌دهند. در حالی که این طرح‌ها کمکی به فرهنگ کتابخوانی کشور نمی‌کند، از این رو بهتر است به جای برگزاری این طرح‌ها خانه کتاب اطلاعات خود را در اختیار فروشگاه‌های اینترنتی قرار دهد. معاون کمیته اطلاع‌رسانی بیست و هشتمین دوره نمایشگاه کتاب تصریح کرد: خانه‌کتاب باید کلمات کلیدی هر کتاب را توسط گروه‌های متخصص این حوزه استخراج کند تا بدین وسیله جست‌وجو درباره کتاب‌ها در سایت خانه کتاب راحت‌تر شود چراکه امروزه تنها از طریق نام نویسنده، ناشر و موضوع کتاب آثار ثبت شده در سایت خانه کتاب قابل جست‌وجو است. طالبی در همین زمینه افزود: اگر خانه کتاب بودجه خود را صرف شاخص‌گذاری آثار کند، تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت.